



آيَةُ اللَّهِ الْعُظْمَى مُنْتَظِرِي

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ».

در هر حال اگر سلطه شاهان، تاریخ را تاریک جلوه داده بود، اکنون که روزگار آنان به سر رسیده و در این دیار مقدس، نام و نشانشان حذف گردیده، روا است که تاریخ نوین، رسم اخلاص را از یاد نبرد و صفحاتی زرین برای نگارش بیوگرافی تاریخ سازان حق گوی و خداجوی آماده سازد و نویسدگان متعهد در باره این الگوهای انسانیت هر چه بیشتر و هر چه بهتر بنویسند و دین خود را ادا کنند.

آیة الله العظمی منتظری از آن چهره های بسیار روشن و برجسته دوران ما است که در راه مقدس خویش چه رنجها و مصیبت ها را تحمل نکرده و چه سختیها و فشارها را نچشیده است و هر چه درباره زندگی گذشته ایشان بگویند و بنویسند قطره ای از دریا بیش نیست زیرا فروتنی و تواضع وی، مانع از ستایش خویش می شود و تاریخ آسایش خواه هم - همانگونه که گفته شد - کمتر زحمت دیدار با رادمردان روزگار، در زاویه های اطاقهای نمور و نیمه خراب مدرسه های علمیه را به خود می داده است. ولی در هر حال همانگونه که علی «ع» می فرماید: «هر مصیبت و سختی که بر ما وارد شود جز افزایش ایمان و در راه حق گام نهادن و تسلیم امر خدا شدن و بردباری در برابر فشارها، چیزی برای ما ندارد».

با ژرف نگری و دقت نظر در گوشه گوشه تاریخ، درمی یابیم تاریخ سازان و آنان که تحولاتی شگرف در دنیا ایجاد کرده اند، شخصیتهایی بودند که با زحمتهای طاقت فرسا و دست و پنجه نرم کردن با حوادث و صبر و تحمل در برابر تنگدستی ها، سختی ها، فشارها، غربت ها و کزی های روزگار، راه پر پیچ و خم زندگی را با اراده ای آهنین و عزمی استوار پیموده اند و نه تنها در برابر مشکلات شکسته نشدند بلکه شکوفاتر، مصمم تر و پابرجا تر راه خود را ادامه داده و می دهند.

از این روی، در بیوگرافی این شخصیت ها که بنگریم، از گذشته تابناک آنان کمتر چیزی می یابیم و حتی گاهی تاریخ بدنیا آمدن برخی از آنان را نمی توان بدست آورد. درست به عکس شاهزادگان و ستم پیشگان و اشراف زادگان که با دادن رشوه های کلان به تاریخ تاریک، نام خود را در آن ثبت می کردند ولی با گذشت زمان و به قدرت رسیدن و به مردم ظلم روا داشتن نه تنها آبروی خود را برده که لگه ننگی در تارک تاریخ گذاشته اند و تاریخ نویسان متعهد نیز ناچار نام پلید آنها را حذف کرده اند ولی خواه ناخواه ما به تاریخ خورده می گیریم که چرا از شخصیت های بزرگ می گذرد و نسبت به نقش و نگار جامه های شراب ستم پیشگان چه شعرها و چکامه ها می سرایند؟!

انتقال به حوزه علمیه قم

از آن پس، برای فراگیری دروس سطح عالی مجدداً به مرکز علم و دانش، حوزه علمیه قم مسافرت کرده و در آنجا به تحصیل ادامه داد. از همان آغاز ورود به شهر مقدس قم، با استاد شهید آیه الله مطهری آشنا شده و بمدت بیش از ۱۱ سال با هم به درس و بحث پرداختند و هر دو از این آشنائی استفاده شایان بردند. این دو بزرگوار درسهای رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید بزرگ آن دوران از جمله آیت الله سید محمد داماد و حضرت امام خمینی ارواحنا فداه آموختند.

آیت الله العظمی منتظری، فقه آل محمد را در محضر مرجع بزرگ تشیع در آن زمان حضرت آیه الله العظمی بروجردی «ره» آموخت. ایمان، استعداد و کوشش خالصانه معظم له در فراگیری دانش، بقدری مورد علاقه استاد قرار گرفته بود که همواره آیه الله بروجردی از آینده علمی و اجتماعی شاگرد شایسته خویش و امیدی که نسبت به ایشان داشت سخن می گفت و طلاب جوان را به استفاده از محضر ایشان، توصیه می کرد.

در کتاب «گذری بر زندگی و اندیشه های فقیه عالیقدر» آمده است:

«روزی آیه الله بروجردی، در جلسه ای که از شاگردان جوان معظم له تشکیل شده بود، سفارش می کند: فقهای جوانان را از دست ندهید. سوال می کنند چه کسانی را؟ می گوید: «منتظریها» بعد مکتبی می کند که دیگری را هم منتظری کشند، بنظرش نمی رسد. نام کوچک آیه الله منتظری را تکرار می کند: «شیخ حسینعلی ها»

بهر حال، آقای منتظری در زمان مرحوم آقای بروجردی، جزو یکی از ممتازترین حوزه علمیه و از اساتید فقه، اصول و فلسفه به شمار می آمد.

همچنین یکی از اساتید بزرگ آقای منتظری که ایشان به آن بزرگوار محبت و ارادت فوق العاده ای دارد و درس فلسفه را مخصوصاً از محضر مقدس وی استفاده کرده است، حضرت امام خمینی دام ظلّه می باشد که آقای منتظری غالباً اوقات خود را مغتنم شمرده از محضر استاد به بالا ترین بهره را می برد و همواره در کنار امام و با امام بود. وی می توان گفت: نسبت منتظری به امام، نسبت علی «ع» به محمد «ص» است. در سالهای ۵۲ - ۵۳ که امامت نماز جمعه نجف آباد را به عهده داشت، در خطبه های نماز بدون هیچ ملاحظه و پروائی از رژیم سفاک

و در جای دیگر نهج البلاغه می فرماید: «این علم را بدوش نمی گیرد مگر اهل بصیرت و صبر و حق شناسان»، منتظری از همان گونه افرادی است که علی «ع» آنان را چنین معرفی کرده است. منتظری مرد استقامت، ایمان، بردباری، حق گوئی، علم و عمل است و هنوز قدرشناسان نتوانسته اند قدر و منزلت او را بشناسند، چه رسد به اینکه ما او را بشناسیم، ولی «ما لایدرک کله لایترک کله». پس با هم سیری کوتاه در بیوگرافی ایشان بکنیم.

بیوگرافی

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری، شصت و دو سال پیش یعنی در سال ۱۳۰۱ در خانواده ای روحانی، کشاورز و با تقوا در شهر انقلابی نجف آباد به دنیا آمد.

پدر ایشان حاج علی منتظری که هشتاد و چند سال از عمر مبارکش می گذرد، زندگی متواضعانه و ساده خود را با کشاورزی و قبل از آن با کارگری گذرانده است. این مرد بسیار پارسا و با تقوا، در ضمن اینکه به کار زحمت مشغول بوده، هیچگاه از ارشاد و راهنمایی مردم فروگذار نکرده و همواره در مسجد صاحب الزمان نجف آباد به موعظه و نصیحت و همچنین به تدریس و تفسیر اشتغال داشته و دارد. این شخصیت محبوب و زحمت کش مورد احترام و تقدیر اهالی نجف آباد می باشد که پیوسته مردم مشکلات خود را با ایشان در میان گذاشته و با استفاده از رهنمودهای وی آن را حل می کنند.

آیت الله العظمی منتظری در چنین خانواده ای دانش دوست، مقدس، متدین، متعهد، روحانی و زحمتکش با تربیت چنان پدر لایق و شایسته ای دوران کودکی خود را گذراند. معظم له مقدمات عربی (نحو، صرف، ادبیات) را نزد پدر خویش فرا گرفت. در سن ۱۱ سالگی روانه قم شد و برخی از کتابهای مقدماتی را در آنجا آموخت، سپس به نجف آباد برگشت. در سن ۱۵ سالگی راهی اصفهان شد و در حوزه علمیه اصفهان (مدرسه جده بزرگ) به تحصیل خود ادامه داد.

در مدت سه سال که ایشان در اصفهان تشریف داشتند، بقدری با جدیت به درس و بحث مشغول بودند که در اندک زمانی مورد علاقه و محبت بسیار استادان و هوش و استعداد بی نظیرشان زبانشان را نزد طلاب حوزه علمیه اصفهان قرار گرفت.

زندانیان و تبعیدها

۱ - در سال ۴۲، در اثر افشاگریها و سخنرانیهای ارشادی، در تهران زندانی شد و پس از مدت زمانی کوتاه آزاد گردید.

۲ - در سال ۴۳ که مخفیانه برای دیدار با رهبر کبیر انقلاب رهسپار نجف اشرف شده بود، هنگام بازگشت، بار دیگر دستگیر و به زندان قزل قلعه منتقل شد. پس از پنج ماه شکنجه و اذیت توسط جلادان رژیم ستمگر، چون مدرکی بر محکومیت ایشان نیافتند، آزاد شد.

۳ - بلافاصله پس از آزادی به کار مبارزاتی خود ادامه داد، و طلاب حوزه علمیه قم را همواره به حرکت، خروش و مبارزه وادار می داشت تا اینکه دستگاه ستم پیشه، ناچار ایشان را - که تازه از زندان آزاد شده بود - دستگیر و به مسجد سلیمان تبعید نمود.

۴ - در مسجد سلیمان، اطاقی را در مسجد انتخاب نموده و در همانجا به خدمت، فعالیت و ادامه مبارزه و همچنین تفسیر قرآن و تبلیغ دین پرداخت و پس از گذشت صد روز، دوران اولین تبعید تمام شد و به قم بازگشت.

۵ - در شب عید نوروز ۴۵، فرزند ایشان، حجة الاسلام شهید محمّد منتظری هنگام پخش اعلامیه و تراکت در صحن مطهر حضرت معصومه «ع» دستگیر می شود و بدنبال دستگیری ایشان، مزدوران رژیم به سراغ حضرت آية الله منتظری می روند و بدون هیچ مدرک و سند جرمی، آن بزرگوار را بازداشت می نمایند. عصر همان روز اول فروردین، مزدوران به منزل مرحوم آية الله ربانی شیرازی یورش برده و ایشان را نیز دستگیر می نمایند. پس از آن سخنانهای آن دو بزرگوار را زیر و رو کرده و تمام نوشتجات و کتابهای دینی ایشان را غارت کرده و با خود می برند.

۶ - رژیم بلافاصله آیت الله را به همراه دیگر دستگیر شدگان به شکنجه گاه قزل قلعه روانه می سازد و تحت شکنجه های وحشیانه و طاقت فرسا قرار می دهد. و از هر شکنجه ای بدتر، شکنجه روانی بود که در برابر چشمان ایشان، فرزند مظلومشان (شهید محمد منتظری) را مورد سخت ترین و وحشیانه ترین شکنجه ها از قبیل روی اجاق برقی نشانیدن، شلاق زدن تا سر حد بیهوشی، زدن کشیده های پی در پی به صورت و گوش، بی خوابی دادن، ساعت های متمادی سربک پا نگهداشتن و زیر مشت و لگد کوبیدن و... قرار می دهد.

در نامه ای که آقای منتظری از زندان می نویسد، اشاره ای به این مطلب شده است:

پهلوی، مردم را به پیروی و تقلید از امام بزرگوار سفارش می کرد. و ضمناً ایشان و مرحوم آية الله ربانی شیرازی «ره» از اولین کسانی بودند که مرجعیت عامه امام را طی اعلامیه ای تاریخی و مهم توصیه کرده و مردم را به تقلید از امام دعوت کردند.

سیر مبارزاتی

آغاز مبارزات آية الله العظمی منتظری را نمی توان مشخص کرد زیرا منتظری از روزی که خود را شناخت خدا را شناخت و از روزی که خدا را شناخت، با دشمنان خدا در هر لباس و مقامی که بودند به مبارزه و جهاد برخاست و هیچگاه در این راه، عقب نشینی نکرد و هیچ توطئه ای او را از قافله مجاهدان فی سبیل الله دور نکرد و هیچ شکنجه و زندانی نتوانست منتظری را از پیمودن هدف والای ابی عبدالله «ع» باز دارد و هیچ اهانت و ظلمی نتوانست این شخصیت خداجوی را از حق و حقیقت جدا سازد که منتظری همیشه با حق بوده است و هر جا حق بوده، منتظری نیز بوده است.

بی گمان، آیت الله منتظری اولین کسی بود که به دعوت اصلاح طلبانه امام خمینی لبیک گفت و اولین علمداری بود که پرچم خونین انقلاب اسلامی را به دوش گرفت و در این راه پر فراز و نشیب، لحظه ای این پرچم را بر زمین نگذاشت تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید. پس از انقلاب نیز با همان نیرو و توان، این پرچم را بدست گرفته و با فریادهای رسا و رهنمودهای خالصانه خویش، همانند امام بزرگوار، انقلاب را از گردن حوادث و رویدادهای ناگوار نگه میدارد و بدون شک لحظه ای نمی گذارد خون آن همه شهید عزیز که به پای این پرچم خونین ریخته شد به هدر رود یا خدای نخواستہ لطمه ای به انقلاب جهانی اسلام وارد آید. خدایش توفیق بیشتر دهد و عمر پر برکتش را طولانی گرداند.

فعالیت های آقای منتظری در طول دوران انقلاب بر کسی پوشیده نیست، هر چند از تفصیل این فعالیتها، کمتر کسی آگاه است. در هر صورت، در این مختصر نمی توانیم به تفصیل بپردازیم، همین بس که فهرستوار، به حوادثی که بر معظم له در اثر فعالیتها و مبارزات اسلامی گذشته است، اشاره ای کنیم و تفصیل را به کتابهای مفصل و انگذار نمائیم:

ایران است نمود. در هر صورت سردی هوا و آشنا نبودن به زبان آن مردم و شایعه‌ها و تبلیغات مسموم رژیم نتوانست مردم را از مرادشان دور سازد و بالاخره منتظری، همان و درس تفسیر و بحث و سخنرانی و اقامت در مسجد، همان. در نامه‌ای که معظم له به وزیر دادگستری از تبعیدگاه خلخال نوشتند چنین آمده است:

«... بالاخره هوای سرد و برفی خلخال یا مزاج من که به امراض مختلفه گرفتار هستم به هیچ نحو سازگار نیست مگر اینکه نقشه ایذاه و نابودی من در بین باشد و پاک هم ندارم که نابود شوم و این همه کجرو پها را مشاهده نکنم...»

۱۴ - در زمستان ۵۳، معظم له را از میان برادران ترک زبان خلخال به میان برادران اهل سنت کرد زبان سقر تبعید کردند، و قریب ۷ ماه در آن تبعیدگاه با شرایط سخت زندگی گذراند و لحظه‌ای سازش حتی به مغزش هم خطور نکرد چه رسد به اینکه در برابر دشمن تسلیم شود.

«الَّذِينَ يَلْمُزُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»

۱۵ - در جریان وقایع تیر ماه ۵۴ مدرسه فیضیه، معظم له را دستگیر و همراه عده‌ای از روحانیون از جمله مرحوم آیه الله طالقانی به بازداشتگاه کمیته مشترک تهران روانه کردند. و پس از ۶ ماه بلا تکلیفی در کمیته و زندان اوین، در یک دادگاه فرمایشی، به ده سال زندان محکوم گردید. آیه الله العظمی منتظری در زندان هم که بود، با آن حالت کسالت و بیماری، نماز جمعه را برای انقلابیون در بند اقامه نمود و در همان جا به فعالیت و خدمت ادامه داد تا اینکه در اثر اوجگیری انقلاب، در بهای زندان توسط ملت مسلمان گشوده شد و معظم له همراه دیگر روحانیون و مردم مبارز، آزاد و به آغوش ملت بازگشت.

منتظری هیچگاه دست از خدمت به اسلام و مسلمین برنمی‌دارد و همواره به راه خود که راه قرآن است تا روزی که انتظار به سر رسد و منتظر موعود «عج» قیام کند، ادامه می‌دهد و بدون شک این خدمت‌های ارزنده در تاریخ ثبت خواهد شد و تا قیام قیامت درخششی بی نظیر خواهد داشت و برای همیشه جاودان و شکوفا خواهد ماند؛ باشد که ما هم از این الگوی مقدس و خورشید تابان درس خدانشناسی بیاموزیم و کسب فیض نمائیم. ادامه دارد

«... در مورد بازجویی نیز از هیچگونه اهانت نسبت به مراجع بزرگ و روحانیت شیعه و ضرب و شکنجه و فحشهایی که موجب حد شرعی است نسبت به اینجانب و فرزندم خودداری نشد چنانچه هنوز (پس از ۶ ماه) آثار صدمات جسمانی ناشی از شکنجه‌های متوالی در فرزندم باقی است...»

۷ - پس از ۷ ماه تحمل شکنجه و زندان، در اثر اقدام و فعالیت‌های علماء و روحانیون، آزاد گردید.

۸ - چند ماهی از آزادی ایشان نگذشته بود، که بار دیگر دستگیر و روانه قزل قلعه می‌شود.

۹ - پس از تحمل چندین روز اهانت و شکنجه، در یک دادگاه فرمایشی به سه سال زندان و سپس به یکسال و نیم، محکوم گردید که پس از گذراندن دو سال زندان، آزاد شد.

۱۰ - رژیم که نمی‌توانست آقای منتظری را در حوزه علمیه قم ببیند، او را به زادگاه خود (نجف آباد) تبعید و ادار به اقامت اجباری در آنجا نمود. معظم له از فرصت استفاده کرده ضمن تبلیغ و ترویج احکام دین، اقدام به برپائی نماز جمعه در نجف آباد کرد. و در اولین جمعه رمضان سال ۱۳۹۱ هجری قمری، با شرکت انبوه مردم شهید پرور و متدین نجف آباد، این نماز عبادی سیاسی را در مسجد جامع شهر، اقامه فرمود.

۱۱ - در مرداد ۱۳۵۲، آیت الله العظمی منتظری، تحت نظارت و مراقبت پلیس، در نجف آباد دستگیر و به «طبس» تبعید شد. در طبس، همانند دیگر تبعیدگاه‌ها، به تفسیر، تبلیغ، تدریس و مبارزه با دشمنان دین پرداخت و پس از چندینی که گروه گروه مردم مسلمان تشنه حقایق از گوشه و کنار برای دیدار و استماع سخنان آموزنده ایشان روانه طبس می‌شدند، فرصت را غنیمت شمرده و نماز جمعه را در آن شهر برپا کرد.

۱۲ - در ماه رمضان ۹۳ توسط مزدوران رژیم دستگیر و به زندان مشهد انتقال می‌یابد ولی در اثر هجوم علاقمندان و مردم با ایمان طبس به شهربانی شهر، ناچار پس از سه روز ایشان را آزاد کردند. ولی از رفتن آن بزرگوار به مدرسه و مسجد جلوگیری نمودند و آیه الله العظمی منتظری هم با استقامتی بی نظیر قریب یکسال در طبس با همه فشارها و محرومیتها ماند و تسلیم زور نشد.

۱۳ - تسلیم ناپذیری معظم له، رژیم را وادار به تبعید ایشان - در سرمای زمستان - به شهر خلخال که یکی از سردترین نقاط